

سوژه‌های سخن (موضوعات پیشنهادی محرم)

حجت‌الاسلام والمسلمین سید جواد حسینی*

موضوع اول: بایدها و نبایدهای عزاداری

عزاداری برای سید الشهداء علیه السلام به دلیل اهداف بلند و نقش سازنده فردی و اجتماعی آن، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این حرکت، مانند همه موضوعات دیگر، بایدهایی دارد که سودمند است و آسیب‌هایی هم دارد که زیان‌آور است.

الف- بایدهای عزاداری

۱. ضرورت اصل عزاداری در قالب‌های ذیل:

- تشکیل مجالس سوگواری

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا، فَأَحْيُوا، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا؛^۱ چنین مجالسی را دوست می‌دارم. مجالس ما را زنده نگه دارید. خداوند کسی را که مجالس ما را احیا نماید، رحمت کند.»

- نوحه‌سرایی

نوحه‌سرایی به صورت خواندن اشعار سوزناک و پرمعنا نیز لازم است. نخستین کسی که در مدینه مرثیه خواند، ام سلمه بود: «كَانَ أَوَّلَ صَارِحَةٍ صَرَخَتْ فِي الْمَدِينَةِ أُمَّ سَلْمَةَ زَوْجِ رَسُولِ اللَّهِ.»^۲

- گریه

اشک بر پرواز دل پر می‌دهد ریشه گر در آب شد بر می‌دهد

* پژوهشگر حوزه علمیه.

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۹۲.

۲. ابن واضح، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، چاپ اول، ج ۲، ص ۲۴۵.

امام صادق علیه السلام فرمود: «وَازْحَمَّ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا، وَازْحَمَّ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاحْتَرَقَتْ لَنَا وَازْحَمَّ الصَّرْحَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا؛^۱ خدایا! بر چشم‌هایی که از سر ترحم بر ما اشک‌هایشان روان شد، رحم کن و بر آن دل‌هایی که بی‌تاب شدند و به حال ما سوختند، رحم نما و بر شیون‌هایی که برای ما بلند گردیدند، ترحم آور.»
 امام رضا علیه السلام فرمود: «فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ؛^۲ بر همانند حسین باید گریه‌کنندگان گریه کنند.»

- حالت گریه به خود گرفتن

در روایتی آمده است: «مَنْ بَكَى وَأَبْكَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ؛^۳ کسی که [بر امام حسین علیه السلام] گریه کند یا بگریاند یا خود را به حالت گریه درآورد، بهشت برای او واجب می‌شود.»

- پوشیدن لباس مشکی

در روایت دیگر نیز آمده که: «[هنگامی که یزید اجازه عزاداری داد،] زنان هاشمی و قریشی لباس سیاه بر تن پوشیده و به مدت هفت روز برای امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا عزاداری کردند.»^۴

- تعطیلی کسب و کار در روز عاشورا

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ كَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَجِهِ وَسُرُورِهِ؛ هر کس در روز عاشورا تلاش و کوشش دنیوی را رها سازد، خداوند حوائج دنیا و آخرت او را برآورده کند و کسی که روز عاشورا را، روز مصیبت و اندوه و گریه‌اش قرار دهد، خدای بلندمرتبه روز قیامت را، روز خوشحالی و شادی او قرار می‌دهد.»^۵

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت: دار صعب و دار التعارف، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۵۸۳.

۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، پیشین، ج ۱۰، ص ۳۹۴.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۲۸۸ و ۲۸۹.

۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۲۷.

۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۴، ص ۲۸۴؛ همان، ج ۹۵، ص ۳۴۳؛ همان، ج ۹۸، ص ۱۰۲.

۲. مجالس عزاداری باید باعث احیای اسلام و حفظ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام شود.
۳. باید عامل بسیج توده‌ها علیه ظلم و ستمگری گردد.
۴. عقاید شیعه را، به‌ویژه در بین جوانان، تقویت نماید.
۵. عامل تربیت و خودسازی افراد شود؛ نه بی‌باکی آنان.
۶. مایه وحدت بین مسلمانان باشد؛ نه عامل تفرقه.
۷. روح امید و توکل به خدای متعال در مردم تقویت شود.
۸. اهداف قیام حسینی بر اساس کلام خود آنان و به دور از هر گونه تحریف بیان گردد.
۹. دشمنان و حاکمیت قوانین الهی در عصر کنونی به مردم معرفی شوند.
۱۰. محبت و معرفت به عترت و نیز انس و الفت با قرآن و حدیث، به عنوان تنها راهکار رهایی امت اسلامی برای نسل جوان تبلیغ شود.

ب- نبایدهای عزاداری

۱. تحریف هدف عزاداری

استاد مطهری می‌گوید: «من نمی‌دانم کدام جانی یا جانی‌هایی جنایت را به شکل دیگری بر حسین بن علی وارد کردند و آن اینکه هدف حسین بن علی را مورد تحریف قرار دادند و همان چرندی را که مسیحی‌ها در مورد مسیح گفتند، در باره حسین گفتند که حسین کشته شده، برای آنکه بار گناه امت را به دوش بگیرد، برای اینکه ما گناه بکنیم و خیال‌مان راحت باشد. حسین کشته شد، برای اینکه گناهکار تا آن زمان کم بود، بیشتر بشود.»^۱

۲. استناد به منابع غیر معتبر

استاد مطهری در این باره می‌گوید: «اگر کسی تاریخ عاشورا را بخواند، می‌بیند که ارزنده‌ترین و مستندترین و از پُر منبع‌ترین تاریخ‌ها است. مرحوم آخوند خراسانی

۱. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، قم: انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۱۲۷.

۳۰ ■ ره توشه راهیان نور؛ ویژه محرم الحرام و صفرالمظفر ۱۴۳۵ق

فرموده بود: آنها که به دنبال روزه نشنیده می‌روند، بروند روزه‌های راست را پیدا کنند که آنها را احدی نشنیده است؛ [نه تاریخ و روزه‌های تحریف‌شده].^۱

۳. مطالب غلوآمیز

امام رضا علیه السلام فرمود: «مخالفان ما سه نوع خبر در فضایل ما جعل کرده‌اند: ۱. غلو؛ ۲. کوتاهی در حق ما؛ ۳. تصریح به بدی‌های دشمنان ما و دشنام به آنان. وقتی مردم اخبار غلو را می‌شنوند، شیعیان ما را تکفیر می‌کنند [همان کاری که امروزه وهابیان و تکفیری‌ها انجام می‌دهند] و می‌گویند: شیعه، قائل به ربوبیت ما می‌باشد و زمانی که کوتاهی در حق ما را می‌شنوند، به آن معتقد می‌شوند و چون بدی‌های دشمنان ما را می‌شنوند، ما را دشنام می‌دهند.»^۲

۴. دروغ‌گویی

دروغ‌گویی در عزاداری و نوحه‌سرایی برای امام حسین علیه السلام ممکن است به دلایل مختلفی صورت گیرد که البته باید از همه آنها پرهیز نمود؛ از جمله این دلایل عبارت‌اند از: جهل و نادانی، سوء استفاده از زبان حال، تلاش برای ارائه مصیبتی نو، دنیاطلبی و برتری‌جویی.

برای مطالعه بیشتر، رجوع شود به:

۱. فرهنگ‌نامه مرثیه‌سرایی و عزاداری، محمد محمدی ری‌شهری.
۲. فریاد بر تحریف‌های عاشورا، استاد شهید مطهری رحمته الله علیه.
۳. ناگفته‌هایی از حقایق عاشورا، سید علی حسینی میلانی.
۴. عاشورا؛ انگیزه‌ها، سعید داودی و مهدی رستم نژاد، زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی.

موضوع دوم: ویژگی‌های خانواده شایسته

به منظور بهره‌مندی از فواید و آثار خانواده سالم، بایسته است به ویژگی‌هایی چند که از زبان آیات و روایات بیان گردیده، توجه داشت و به آنها عمل نمود. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. همان، ص ۵۶.

۲. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا، قم: انتشارات جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۶۳.

۱. مسئولیت‌پذیری و هدایت‌گری

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مأمور است که در گام اول، خانواده خود را تربیت کند: «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^۱ ای پیامبر! بستگان نزدیک را انداز کن.

در یک دستور عام، همه انسان‌ها در مقابل تشکیل و تربیت خانواده شایسته، مسئول هستند. قرآن در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن، انسان‌ها و سنگ‌ها است، نگه دارید.» هنگامی که آیه فوق نازل شد، فردی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: چگونه خانواده خود را از آتش دوزخ حفظ کنم؟ حضرت فرمود: آنها را به آنچه خدا امر کرده است، امر کن و از آنچه خدا آنان را باز داشته است، نهی کن. اگر از تو اطاعت کردند، آنها را [از آتش دوزخ] حفظ کرده‌ای و وظیفه خود را انجام داده‌ای.^۳

از آنچه گفتیم، دو ویژگی خانواده شایسته و سالم به دست آمد:

- در خانواده شایسته، همه مسئولیت دارند و هر یک خویشان را مسئول می‌داند.
- اعضای خانواده شایسته، به امر و نهی الهی پایبند هستند و نسبت به هدایت یکدیگر کوشا می‌باشند.

۲. رعایت حقوق متقابل

مرد و زن بر همدیگر، و همین‌طور فرزندان بر والدین و والدین بر فرزندان، حقوقی دارند که در یک خانواده شایسته به‌خوبی رعایت می‌شود. در این زمینه، خانواده رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت علی عليه السلام، بهترین الگو است.^۴

۱. سوره شعرا، آیه ۲۱۴.

۲. سوره تحریم، آیه ۶.

۳. حویزی، عبد علی، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۷۲.

۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفا، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

۳. معاشرت نیکو

قرآن بر معاشرت نیکو و پرهیز از سخت‌گیری تأکید می‌کند: «وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ... وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۱ [برای تملک مهر آنان] آنها را تحت فشار قرار ندهید... و با آنان به طور شایسته رفتار کنید.»

۴. پرهیز از خشونت

فطرت مؤمن سراپا شفقت است در جهان دست و زبانش رحمت است قرآن می‌فرماید: «... شایسته است عفو کنند و از لغزش‌های دیگران چشم‌پوشند. آیا دوست نمی‌دارید که خداوند شما را عفو کند؟...»^۲ امام سجاد علیه السلام فرمود: «هر یک از شما به سبب همسرش خدای را سپاس گوید و با نعمت خدا، مهربانی و نیک‌رفتاری و مدارا کند و شایسته است او را گرامی بداری»^۳

۵. تقویت عاطفه

تقویت عواطف در خانواده، از مهم‌ترین کارهایی است که باید به آنان به صورت جدی توجه کرد. به منظور تقویت عاطفه، توجه به راهکارهای ذیل بایسته است:

۶. گفتار و رفتار محبت‌آمیز

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أَحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»^۴ اینکه مردی به زنش بگوید: من تو را دوست دارم، [اثر این سخن] هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود. امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «زن برای موفقیت در زندگی مشترک با همسر خویش، از مراعات سه چیز ناگزیر است... [از جمله آنها] اظهار عشق و محبت به همراه طنازی و دلربایی و جلوه‌گری برای شوهر محبوب خویش است.»^۵

۱. سوره نساء، آیه ۱۹.

۲. سوره نور، آیه ۲۲.

۳. ابن شعبه حرّانی، علی بن حسین، تحف العقول، قم: منشورات الشریف الرضی، چاپ اول، ۱۳۸۰ق، ص ۱۶۸ و ص ۴۵۸.

۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، ج ۲۰، ص ۲۳.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، بیروت: دار صعب و دار التعارف، چاپ چهارم،

۱۴۰۱ق، ج ۷۵، ص ۲۳۷؛ حرّانی، علی بن حسین بن شعبه، تحف العقول، پیشین، ص ۳۲۳.

۷. خواندن یکدیگر با نام شایسته

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «سه چیز دوستی و محبت بین دو مسلمان را افزایش می‌دهد: ۱. هنگام ملاقات، با خوش‌رویی و چهره‌ای گشاده برخورد کنند؛ ۲. اگر می‌خواهد در کنار او بنشیند، برایش جا باز کند؛ ۳. به بهترین نامی که دوست دارد، او را صدا بزند.»^۱

۸. سلام کردن

امام صادق علیه السلام فرمود: «يُسَلِّمُ الرَّجُلُ إِذَا دَخَلَ عَلَى أَهْلِهِ»^۲ هنگامی که مرد بر خانواده‌اش وارد می‌شود، باید سلام کند.»

۹. دلجویی، استقبال و بدرقه

مردی به رسول خدا ﷺ عرض کرد: من همسری دارم که هر گاه وارد خانه شوم، به استقبال می‌آید و چون خارج می‌شوم، مرا بدرقه می‌کند. هر گاه مرا اندوهگین ببیند، می‌گوید: چه چیز تو را اندوهگین کرده است... رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند کارگزارانی دارد و این زن، یکی از آنها است.»^۳

۱۰. هدیه دادن

هدیه دادن، شیوه پسندیده‌ای است که مایه تحکیم نظام خانواده و تقویت عشق و عاطفه میان اعضای خانواده می‌شود. این امر، به معنای توجه به طرف مقابل و قدردانی از زحمات او است.

۱۱. مشورت

از شرایط مهم خانواده شایسته، مشورت و گفت‌وگو در موضوعات زندگی و مسائل مهم خانواده است. قرآن می‌فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»^۴ و کارهای‌شان با مشورت در میان‌شان [انجام می‌پذیرد].»

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۶۴۳.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۳، ص ۱۱.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۲۰، ص ۳۲.

۴. سوره شوری، آیه ۳۸.

۱۲. مدیریت مرد

دو رکن اساسی خانواده، مرد و زن می‌باشند و این دو، با همدلی و همفکری می‌توانند مشکل را حل کنند و چون هیچ تشکیلاتی بدون مدیر گروه به نتیجه مطلوب نمی‌رسد، خداوند متعال بر اساس توانایی‌های خاصی که در وجود مردان به ودیعه نهاده، آنان را مسئول و مدیر خانواده معرفی می‌کند: «مردان، سرپرست و نگهبان زنان هستند.»^۱

البته مرد حق ندارد که غرور و خودخواهی را جایگزین محبت کند. رسول خدا ﷺ فرمود: «أَخْبَرَنِي أَخِي جَبْرِئِيلُ وَلَمْ يَزَلْ يُوصِينِي بِالنِّسَاءِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنْ لَا يَجَلَّ لِزَوْجِهَا أَنْ يَقُولَ لَهَا أُفُّ»^۲ برادرم جبرئیل، همواره برایم خبر می‌آورد و در مورد زنان سفارش می‌کرد تا حدی که من گمان کردم برای شوهر جایز نیست که به زنش اف بگوید.»

۱۳. پرهیز از توهین

در خانواده شایسته، کسی حق ندارد به دیگری توهین کند؛ زیرا اذیت دیگران، جنگ با خدا شمرده شده است.^۳

مرجان دلم را که این مرغ وحشی ز بامی که برخاست مشکل نشیند
در اسلام، تمسخر و استهزای اعضا خانواده، تحت هر عنوانی، جایز نیست و کسی که مرتکب چنین کاری شود، ظالم به حساب می‌آید.^۴

۱۴. پایبندی به عفاف

خداوند مرد و زن را سفارش به عفت نموده است؛ البته در مورد زنان، نسبت به عفت و پاک‌دامنی بیشتر سفارش شده است؛^۵ «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ...»^۶ به زنان با ایمان بگو: چشم‌های خود را [از نگاه هوس آلود] فرو گیرند و دامان خویش را حفظ نمایند و زینت خود را آشکار نکنند.» همچنین

۱. سوره نساء، آیه ۳۴.

۲. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۲.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۰، ح ۱.

۴. سوره حجرات، آیه ۱۱.

۵. سوره احزاب، آیه ۳۲.

۶. سوره نور، آیه ۳۱.

در روایت به زنان سفارش شده است که بیرون از منزل آرایش نکنند؛ «هر زنی که برای غیر از شوهرش خود را خوشبو کند، نمازی از او قبول نمی‌شود تا زمانی که آن بوی خوش را با شستن از خود دور کند.»^۱

۱۵. تقسیم کار

توانایی‌ها و قابلیت‌های مردان و زنان، متفاوت است. در یک خانواده سالم، باید برخی کارها را زنان و بعضی کارها را مردان انجام دهند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «کارهای داخل منزل، به عهده فاطمه باشد و کارهای بیرون خانه، بر عهده علی.» فاطمه عَلِيهَا السَّلَام با شنیدن این سخن، خوشحال شد و فرمود: «فَلَا يَعْلَمُ مَا دَخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَائِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَحْمَلُ أَرْقَابَ الرِّجَالِ!»^۲ جز خدا کسی نمی‌داند که چقدر از تقسیم حکیمانه رسول خدا خوشحال شدم؛ اینکه پیامبر خدا معاشرت و رو در رو شدن با مردان را از عهده من برداشت.»

۱۶. تأمین نیازهای خانواده

امام باقر عَلِيهِ السَّلَام فرمود: «هرکس در دنیا به طلب روزی برود و قصدش این باشد که محتاج دیگران نشود و مخارج زن و فرزندانش را تأمین کند و به همسایه‌اش یاری رساند، در روز قیامت با چهره‌ای نورانی مانند مهتاب شب چهارده خدایند را ملاقات خواهد کرد.»^۳

جهت مطالعه بیشتر، به منابع ذیل مراجعه کنید:

۱. آیین همسررداری، ابراهیم امینی.
۲. بهشت خانواده، سید جواد مصطفوی.
۳. خانواده در اسلام، محمدحسین انصاریان.
۴. راهنمایی همسران جوان، محمدعلی سادات.
۵. تحکیم روابط خانواده، محمد محمدی ری‌شهری.
۶. اخلاق زن و شوهر و تنظیم خانواده، احمد صادقی اردستانی.

۱. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۵، ص ۵۰۷.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۷۲.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۲۱.

موضوع سوم: رفتار ائمه علیهم السلام با فرزندان

معصومین علیهم السلام از جمله امام حسین علیه السلام هنگام مواجهه با فرزندان خویش، از کارآمدترین شیوه‌ها بهره می‌گرفتند که هر یک می‌تواند برای پدران و مادران و مربیان عصر ما، راهگشا و تأثیرگذار باشد. مهم‌ترین شیوه‌های رفتاری ائمه علیهم السلام در این باره عبارت‌اند از:

۱. انتخاب نام نیک

نام نیکو را بزرگان، عمر ثانی گفته‌اند این ذخیره مر تو را الباقیات الصالحات اولین برخورد خوب با فرزندان، انتخاب نام نیکو و مناسب است. علی علیه السلام فرمود: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ إِسْمَهُ وَيُحَسِّنَ آدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ»^۱ حق فرزند بر پدر، این است که نام او را نیکو گذارد و نیکو تربیت کند و به او قرآن بیاموزد.

امام حسین علیه السلام برای فرزندان نام: علی، جعفر، عبدالله، سکینه و فاطمه را انتخاب کرد.^۲ حضرت نام‌های نیک را ترویج می‌نمود و والدینی را که نام نیک انتخاب می‌کردند، مورد ستایش و تمجید قرار می‌داد.

در باره حر فرمود: «بِخِ بَيْحٍ لَكَ يَا حُرٌّ، أَنْتَ حُرٌّ كَمَا سُمِّيتَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ مَا أَخْطَأَتْ أُمَّكَ إِذْ سَمَّيْتَكَ حُرًّا فَأَنْتَ وَاللَّهُ حُرٌّ فِي الدُّنْيَا وَسَعِيدٌ فِي الْآخِرَةِ»^۳ به‌به! احسنت به تو ای حر! تو آزادمردی؛ چنانکه در دنیا و آخرت آزاده خوانده می‌شوی. سوگند به خدا! مادرت در اینکه تو را حر نامید، اشتباه نکرده است؛ [بلکه کار زیبایی انجام داده است]. به خدا قسم! تو در دنیا آزادمرد و در آخرت سعادت‌مند خواهی بود.»

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۴ق، حکمت ۳۹۹، ص ۵۴۶.

۲. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۳۵.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفا، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۱۴.

۲. محبت به فرزندان

محبت به فرزندان و به زبان آوردن آن، از بهترین شیوه‌هایی است که معصومان علیهم‌السلام در برخورد با فرزندان خود ابراز می‌داشتند. تأثیر این محبت، آنگاه دو چندان خواهد شد که همراه با اظهار دوستی به مادر فرزند نیز باشد.

امام حسین علیه‌السلام در باره دخترش سکینه و همسرش رباب می‌فرماید:

لَعْمُرُكِ اِنِّي لَا حُبُّ دَارًا تَكُونُ بِهَا سَكِينَةٌ وَالرَّبَابُ
اُحْبِبُهَا وَابْنُ دُلٍّ جُلٌّ مَالِي وَلَيْسَ لِكَاتِبٍ عِنْدِي عِتَابٌ^۱

«به جانت سوگند! من خانه‌ای را دوست دارم که در آن سکینه و رباب باشد. من آنها را دوست دارم و عمده اموالم را [به آنان] می‌بخشم و برای کسی شایسته نیست که مرا سرزنش کند.»

طاهر، یکی از دوستان امام باقر علیه‌السلام می‌گوید: نزد آن گرامی بودم که فرزندش جعفر آمد. حضرت فرزندش را مورد لطف و محبت قرار داده و فرمود: «هَذَا خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»^۲ این [فرزند من]، بهترین فرد در روی زمین است.»

۳. تشویق فرزندان

تشویق، محرکی بسیار قوی در ایجاد و حفظ رفتارهای پسندیده است. از این رو، امام علی علیه‌السلام حسنین علیهما‌السلام و عباس علیه‌السلام را تشویق می‌کرد. امام حسین علیه‌السلام نیز همین کار را می‌نمود. وقتی جعفر فرزندش را نزد معلمی به نام «عبدالرحمن سلمی» فرستاد و او به جعفر «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» را یاد داد، حضرت هدیه‌ای ارزشمند به او داد و فرمود: «هدیه من، با تعلیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» برابری نمی‌کند.»^۳ گرچه این امر نسبت به معلم فرزندش صورت گرفت، اما در واقع، نوعی تشویق فرزندش نیز محسوب می‌شود.

۱. همان، ص ۴۷.

۲. شیخ طبرسی، اعلام الوری، تهران: اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۵۱۸.

۳. علی بن شهر آشوب، المناقب، انتشارات ذوی القربی، چاپ اول، ج ۳، ص ۲۲۲.

۴. تعلیم معارف و احکام الهی

امامان تلاش می‌کردند که با نصیحت و تعلیم مناسب، سطح آگاهی فرزندان‌شان را بالا ببرند؛ چنانکه امام علی علیه السلام نامه ۳۱ نهج البلاغه را به همین منظور برای فرزندش امام حسن علیه السلام نوشت. در بخشی از این نامه می‌خوانیم: «وَأَنْ أَبْتَدِيَنَّكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتَأْوِيلِهِ وَشَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَأَحْكَامِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ لَا أُجَاوِزُ ذَلِكَ بِكَ إِلَّا إِلَى غَيْرِهِ؛ پس، در آغاز تربیت تصمیم گرفتم تا کتاب خدای عزیز و بزرگ را همراه با تفسیرش به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام، به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم.»^۱

نیست آب حیات جز دانش نیست باب نجات جز دانش

۵. تربیت معنوی

تربیت صحیح، از اصلی‌ترین رفتارهای امامان با فرزندان‌شان است که نمونه بارز آن، همان نامه امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌باشد. همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛^۲ اولادتان را بر سه خصلت [نیکو] تربیت کنید: دوستی پیغمبرتان، دوستی اهل بیت او و خواندن قرآن.»

امام باقر علیه السلام خطاب به فرزندش می‌فرماید: «يَا بَنِيَّ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ فَقُلْ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» وَإِذَا حَزَنَتْكَ أَمْرٌ فَقُلْ «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» وَإِذَا أَبْطَأَ عَنْكَ الرَّزْقُ فَقُلْ «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»؛^۳ فرزندم! هر گاه خداوند به تو نعمتی ارزانی داشت، بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و هر گاه حادثه‌ای تو را غمگین و ناراحت نمود، بگو: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» و زمانی که احساس نمودی روزی تو به‌سختی می‌رسد، بگو: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ.»

از خدا جویم توفیق ادب بی‌ادب محروم ماند از لطف رب
بی‌ادب تنها نه خود را داشت بد بلکه آتش در همه آفاق زد

۱. نهج البلاغه، پیشین، ص ۳۹۴، نامه ۳۱.

۲. هندی، متقی، کنز العمال، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۲۷۸.

۳. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمّة فی معرفة الاثمة، بیروت: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳۶۲.

۶. توجه به پرسش فرزندان

هنگامی که فرزندان به بلوغ و رشد عقلانی می‌رسند، سؤال‌هایی در ذهن آنان به وجود می‌آید که پاسخ صحیح و منطقی به آن، در پرورش اندیشه آنان بسیار مؤثر است. در این باره به بیان دو نمونه حکایت از زندگی امام حسین علیه السلام بسنده می‌کنیم:

۱. در قصر بنی‌مقاتل، امام حسین علیه السلام لحظه‌ای خواب رفت و شنید که: «این جمعیت در حرکت است و مرگ نیز در تعقیب آنان می‌باشد.» حضرت جمله «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» را به زبان جاری ساخت. علی‌اکبر پرسید: پدرجان! مگر ما بر حق نیستیم؛ چرا این جمله را به زبان جاری ساختی؟ فرمود: «بَلَىٰ وَالَّذِي إِلَيْهِ مَرَجُّ الْعِبَادِ؛ به خدایی که همه بندگان به سوی او بازمی‌گردند، ما بر حق استواریم.» آنگاه علی‌اکبر عرض کرد: وقتی حق با ما است، از کشته شدن باکی نداریم. امام حسین علیه السلام فرمود: «جَزَاكَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ خَيْرٍ مَا جَزَىٰ وَلَدًا عَنْ وَالِدِهِ؛^۱ خداوند بهترین پاداشی را که پدر به فرزندش می‌دهد، به تو عطا نماید.»

۲. وقتی امام حسین علیه السلام به اصحابش در شب عاشورا بشارت شهادت داد، در ذهن قاسم بن حسن سؤال‌هایی نقش بست. از امام علیه السلام پرسید: عموجان! آیا من هم در میان شهدا خواهم بود؟ امام حسین علیه السلام فرمود: «يَا بَنِيَّ كَيْفَ الْمَوْتُ عِنْدَكَ؛ پسر من! مرگ را چگونه می‌بینی؟» عرض کرد: «أَحْلَىٰ مِنَ الْعَسَلِ.» امام در پاسخ فرمود: «عمویت فدای تو باد! بلی، به خدا قسم تو را هم در ردیف یارانم خواهند کشت؛ حتی کودک شیرخواره‌ام عبدالله را نیز به شهادت می‌رسانند.»^۲

برای مطالعه بیشتر، به منابع ذیل رجوع کنید:

۱. جوان در پرتو اهل بیت علیهم السلام، محمدعلی خادمی کوشا.
۲. سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام؛ تربیت فرزند، سیدعلی حسین‌زاده.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، پیشین، ج ۴۴، ص ۳۷۹.

۲. قمی، شیخ عباس، نفس المهموم، قم: انتشارات بصیرتی، ص ۲۳۰.

